

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

RS

روایت قطری‌ها از ماجرای حمله اسرائیل به دوحه

تاكر كارلسون، مجری محافظه‌كار، میزبان گفت‌وگویی با محمد بن عبدالرحمان، وزیر خارجه قطر بود. او بدون فوت وقت سؤالی را از وزیر خارجه قطر پرسید که بسیاری بعد از بمباران ۹ سپتامبر قطر توسط اسرائیل، آن را پرسیده بودند: اسرائیل گفت به خاطر میزبانی از عوامل حماس به قطر حمله کرده است. مگر اسرائیل و آمریکا هر دو از قطر به عنوان تنها میانجی در منطقه نخواسته بودند که عوامل حماس را به آن‌جا ببرد تا به روند جنگ کمک شود؟

وزیر خارجه، تصدیق کرد که نمایندگان حماس به حکم این دو دولت، در دوحه بودند. او سپس گفت: «ایده میانجیگری این است که مکان، جایی امن برای هر دو طرف باشد... اینکه یک میانجی را یکی از دو طرف درگیر بمباران کند، بی‌سابقه است و من بارها این را گفته‌ام. فکر می‌کنم این‌پذیرفتنی نیست. هیچ کس نمی‌تواند این را قبول کند.»

درباره اینکه واشنگتن چه زمانی از این برنامه اسرائیل خبردار شد، گمانه‌زنی‌های بسیاری بوده است اما کارلسون خط رسمی را تکرار کرد که ترامپ از دستورات نتانیاهو برای کشتن عوامل حماس در منطقه‌ای مسکونی در دوحه در آن روز، بی‌خبر بوده است. او اضافه کرد که این بمباران، مسیر تلاش‌های دولت [آمریکا] برای پیشبرد توافق صلح را در آن مقطع مختل کرد. شیخ محمد بن عبدالرحمان موافق بود. او گفت: «رئیس‌جمهور ترامپ از همان اول کاملاً روشن کرد، از زمانی که حمله رخ داد... او کلافگی خود را ابراز کرد، ناراضیانی خود را از چنین چیزی. او می‌داند که ما ققدر در این فرایند کمک کردیم. این نوع حرکت برای او تکان دهنده بود... زمانی رخ داد که ما داشتیم تلاش می‌کردیم حماس را قانع کنیم، پیشنهاد رئیس‌جمهور ترامپ در آن زمان را امضا کنند.» او اضافه کرد: «او برای همه این را روشن کرد که این خط قرمز بود. فکر می‌کنم این یکی از تلاش‌های بسیار برای خراب‌کاری در روابط بین قطر و ایالات متحده بود.» کارلسون به عذرخواهی نتانیاهو از قطری‌ها اشاره کرد که واشنگتن مجبورش کرده بود انجام دهد. ایالات متحده کمی پس از آن هم توافق امنیتی جدید و مهمی با قطر بست.

وزیر خارجه به «اخبار جعلی» هم اشاره کرد که قطر را به عنوان عروسک‌گردان تندروهای اسلام‌گرا و تأمین‌کننده مالی حماس ترسیم می‌کنند. او گفت قطر سال‌ها برای غزه‌ای تحت کنترل حماس، پول‌هایی برای کمک انسان‌دوستانه می‌فرستاد، با نظارت و تشویق دولت اسرائیل و با اطلاع ایالات متحده: «وقتی این ادعای تأمین مالی حماس را مطرح می‌کنند، هیچ پایه‌ای ندارد.» درباره اینکه قطری‌ها چرا در واشنگتن سرمایه‌گذاری و لابی می‌کنند، او گفت: «برای اینکه تضمین کنیم هدف حمله قرار نمی‌گیریم.» او اشاره کرد: «قطر هرگز برای این به سراغ ایالات متحده نرفته که او را تشویق کند، این کشور را بمباران کند یا از آن کشور حمایت کند. ما همواره به دنبال این بوده‌ایم که چطور می‌توانیم به صلح در منطقه برسیم.»

در موضوع اجرای نقشه صلح در غزه که تا وقتی آن‌جا ثبات آفرینی نشود، به جایی نخواهد رسید، بن عبدالرحمان گفت تا زمانی که اسرائیل دست از شلیک نکشد، هیچ پیشرفتی در کار نخواهد بود. کارلسون اشاره کرد که قطر به عنوان کشوری ثروتمند نفتی، متهم بوده است که با حمایت از حماس، باعث جنگ شده است، اما پیش‌گیر پرداخت هزینه بازسازی در نوار غزه هم خواهد بود. وزیر خارجه اما به سرعت گفت که نه، قطر مسئول اصلی چیزی نخواهد بود که باید تلاشی چندکشوری باشد، چنان‌که در نقشه ترامپ بیان شده: «آن کسی که چک‌ها را خواهد کشید، ما نیستیم.» او اضافه کرد قطر همواره مستقیم به فلسطینیان کمک خواهد کرد.

نگاه رسانه



عکس: Oren Ziv

خشونت در کرانه باختری تهدید صلح در غزه

تحلیل فارن‌پالیسی از تبعات رفتار شهرک‌نشینان اسرائیلی بر نقشه‌های آمریکا

که تأمین‌کننده اصلی فرایند بازسازی باشند؛ اما اگر این درخواست از آن‌ها با «پس‌زمینه نامساعد» بی‌ثباتی در کرانه باختری همراه باشد، این کشورها نسبت به ایفای نقش‌شان در مرحله دوم برنامه ترامپ، بی‌میل‌تر خواهند بود. شبپرو که حالا محقق ارشد «اینکار امنیت خاورمیانه اسکوکرافت» در شورای آتلانتیک است، تأکید می‌کند که دول عرب نگران‌اند برنامه ترامپ برای غزه، وقتی پای نقش تشکیلات خودگردان در ارائه مسیری معتبر برای تشکیل کشور فلسطین به میان می‌آید، ناکافی است. او می‌گوید صحنه‌های خشونت در کرانه باختری مشارکت اقناع این کشورها برای مشارکت در برنامه ترامپ را با هم سخت‌تر می‌کند.

ترامپ حمایت بی‌قیدوشرط از راه‌حل دودولتی را کنار گذاشته و با این کار، از دهه‌ها سیاست ایالات متحده، تخطی کرده است؛ از جمله اینکه در دولت اولش در موضعی جنجال‌برانگیز اعلام کرد دیگر شهرک‌های اسرائیلی را بر اساس قوانین بین‌المللی غیرقانونی قلمداد نمی‌کند؛ با این حال او روشن کرده است که با انضمام کرانه باختری متخلف است؛ اما ترامپ درباره خشونت‌های اخیر در کرانه باختری ساکت بوده و فشار قابل‌توجهی بر اسرائیل نیاورده که به این موضوع رسیدگی کند؛ به‌رغم این که ظرفیت این وجود دارد که آشوب در آن‌جا، برنامه‌اش برای غزه را تضعیف کند. دموکرات‌ها در کنگره از ترامپ خواسته‌اند اقدام کند اما او از سوی نمایندگان جمهوری خواه چنین درخواستی دریافت نکرده، یعنی از کسانی که نفوذ بسیار بیشتری روی رئیس‌جمهور دارند. شبپرو می‌گوید این مسئولیت‌دولت اسرائیل است که این خشونت‌ها را کنترل کند، اما با توجه به این که

FP

یوست هیلترمان، مشاور ویژه امور خاورمیانه و شمال آفریقا در گروه بین‌المللی بحران: همه داشتند به غزه نگاه می‌کردند و شهرک‌نشینان در کرانه باختری واقعا این را فرصتی برای خودشان دیدند که دستور کارشان را پی بگیرند

این بی‌ثباتی از طرق مختلف می‌تواند فرایند صلح و نیز اهداف دیگر کاخ سفید در منطقه، از جمله پیمان‌های ابراهیمی را از مسیر خارج کند، «برای دولت ترامپ کاملاً به‌جا خواهد بود اگر به دولت اسرائیل این‌را منتقل کنند که انتظار دارد حرف‌های خودشان را» درباره حملات اخیر «پی‌بگیرند».

خشونت‌ها در کرانه باختری، به‌خصوص از زمان آغاز آتش‌بس غزه در اوایل اکتبر، مشهودتر بوده‌اند. این بازه زمانی با فصل برداشت محصول زیتون نیز هم‌پوشانی داشته است. تخمین‌ها می‌گوید تا ۱۰۰ هزار خانواده فلسطینی در کرانه باختری برای گذران زندگی به برداشت محصول زیتون متکی هستند و این سنت حیاتی، اهمیت فرهنگی و نمادین فراوانی هم برای این مردم دارد. شهرک‌نشینان خشونت‌گرا هم در سال‌های اخیر به دنبال این بوده‌اند که این سنت را با افزایش شدت و وحشیگری مختل کنند. گزارش‌های می‌گوید، ترکیب اثرات حملات شهرک‌نشینان و خشکسالی باعث شده است برداشت محصول امسال از بدترین نمونه‌ها در دوران معاصر باشد. بیش از ۴ هزار درخت ونهال زیتون هم توسط شهرک‌نشینان تخریب شده‌اند. یوست هیلترمان، مشاور ویژه امور خاورمیانه و شمال آفریقا در گروه بین‌المللی بحران، در ماه اکتبر سفری در سراسر کرانه باختری داشت. بر اساس آنچه او در این مدت شنید و فهمید، فلسطینیانی که تلاش کرده‌اند زیتون برداشت کنند، مکرراً با تهدید و ضرب‌وشتم شهرک‌نشینان مواجه‌شده‌اند. او می‌گوید «ارتش [اسرائیل] می‌آمد و در حمایت از شهرک‌نشینان، عملاً دسترسی به این مناطق را روی فلسطینیان [می‌بست]. هیلترمان می‌گوید، این مرتبط با تشدید کلی تنش‌هاست که مشروع آن حتی به قبل از جنگ کنونی در غزه برمی‌گردد، اما در طول این درگیری «تسریع» شده است: «همه داشتند به غزه نگاه می‌کردند و شهرک‌نشینان در کرانه باختری واقعا این را فرصتی برای خودشان دیدند که دستور کارشان را پی بگیرند.»

بدون در نظر گرفتن اورشلیم شرقی [بیت‌المقدس شرقی]، حدوداً ۵۰۰ هزار شهرک‌نشین اسرائیلی در کرانه باختری هستند. هزینه‌های معیشتی کمتر، برای برخی شهرک‌نشینان اسرائیلی در کرانه باختری انگیزه‌بخش است، اما بسیاری به این دلیل آن‌جا هستند که باور دارند حقی خدایی بر آن زمین دارند. شبپرو می‌گوید، شهرک‌نشینان سهمیم در این حملات خشونت‌آمیز که شامل گروه‌های تندرویی از جمله «جوانان تیه» می‌شوند، «انگیزه‌های بسیاری دارند و در دولت اسرائیل هم حامی دارند، به‌خصوص [ایتامار] بن گویر [وزیر امنیت ملی] و [یتزاک] اسموتیچ [وزیر دارایی] که در این اهداف شریک هستند.» شبپرو می‌گوید شهرک‌نشینان خشونت‌گرا «دارند تلاش می‌کنند کنترل کامل اسرائیل بر این قلمرو را نشان دهند، حتی قلمرویی که فلسطینیان در آن زندگی می‌کنند. تلاش می‌کنند دولت اسرائیل را خجالت‌زده کنند، چون فکر می‌کنند به اندازه کافی روی اعمال حاکمیت اسرائیل بر همه بخش‌های کرانه باختری متمرکز نیست. تلاش می‌کنند فلسطینیان را تهدید کنند و آن را به جایی برسانند که این سرزمین را ترک کنند، سرزمینی که [این شهرک‌نشینان] می‌خواهند شهرک‌هایشان را روی آن گسترش دهند.» او اضافه می‌کند، بعضی از مرتکبین این حملات که آرمان‌های اشغال، شهرک‌سازی و انضمام غزه را دارند ممکن است خشونت را به عنوان ابزاری برای ابراز مخالفتشان با آتش‌بس در آن منطقه نیز ببینند. به نظر می‌رسد بخشی از افزایش خشونت هم در نتیجه تعداد بی‌سابقه «پایگاه‌های شهرکی» است که نزدیک روستاهای فلسطینی ساخته شده‌اند. پایگاه‌های شهرکی، مجموعه‌سازه‌هایی بی‌نظم و بی‌مجوز هستند که تحت قوانین اسرائیل غیرقانونی به حساب می‌آیند. منتقدان می‌گویند دولت تلاش کافی برای مقابله با این ساخت‌وسازها و مهار آن‌ها نکرده است. در حملات اخیر شاهد این بوده‌ایم که شهرک‌نشینان خانه‌ها و انبارها را آتش‌ریزند. در یک نمونه در اواسط نوامبر، شهرک‌نشینان ظاهر یک مسجد در یک روستای فلسطینی را تخریب کرده و خود مسجد را آتش زده‌اند. حوالی همان زمان، مارکو روبیو، وزیر خارجه ایالات متحده گفت «نگرانی‌هایی» وجود دارد که «وقایع کرانه باختری سرریز کنند و اثری بگذارند که ممکن است کار

بین‌المللی به نام تشکیلات خودگردان در آن‌ها حاکم است که توافقاتی هم چه در حوزه حکمرانی روزمره و چه در امور جنگ و صلح با اسرائیل داشته است. درستی و غلطی تصمیمات تشکیلات خودگردان، اینکه آیا اگر تشکیلات این مسیر را طی نمی‌کرد، وضعیت بهتر بود یا بدتر، بحث متفاوتی است اما این حقیقت آشکار است که در غیاب نهادهی مثل حماس، صلح و آرامشی برای فلسطینیان در کرانه باختری برقرار نیست.

همزمان، پروژه‌ای که در کرانه باختری پی گرفته می‌شود، پروژه‌ای در جهت تصرف زمین‌های بیشتر است و در آن، محدوده‌ای که فلسطینیان در آن اجازه زندگی دارند، باز هم کوچک‌تر و کوچک‌تر می‌شود. مردم کرانه باختری، همان جایی هستند که به روایت حامیان اسرائیل، مردم غزه باید باشند، اما این باعث نشده است قلمرو و محدوده آن‌ها از دست‌اندازی در امان باشد. این آشکارترین نمونه برای تأیید این تحلیل است که پروژه فعال اسرائیل، در نهایت، همان «اسرائیل بزرگ» است.

اگر چنان‌که ادعا می‌شود، خواست اسرائیلیان، واقعاً صلح و همزیستی بود و رفتارهای ارتش و دولت آن، از سر اجبار، کرانه باختری باید حرم امن صلح و صفا و دوستی می‌بود. دولت کنونی اسرائیل، با تمام توان حامی خشونت‌ها و دست‌اندازی‌ها علیه فلسطینیان کرانه باختری است؛ به علاوه، با اصلی‌ز حمت‌ها در این منطقه بدوش همان کسانی است که بناسنت مردم عادی اسرائیل باشند و جدای از «دولت بنیامین نتانیاهو»، حملات اسرائیل به سوریه، لبنان و دیگران البته ماهیت جنگ‌خواه و بحران‌زای اسرائیل را روشن می‌کند اما وضعیت کرانه باختری به وضوح مشخص می‌کند که اسرائیل، تا زمانی که بتوان و امکان را داشته باشد، هیچ انگیزه‌ای و تمایلی به هم‌زیستی و صلح با فلسطینیان و بلکه به‌طور کلی ساکنان غیراسرائیلی خاورمیانه ندارد.

ماجرای وقتی آشکارتر می‌شود که با مرور موضع‌گیری‌های علنی یا غیرعلنی

افسانه ۸ اکتبر و جغرافیای اشغال

اتفاقات کرانه باختری، مثال نقض روایت اسرائیل از جنگ با فلسطین است

«حماس اگر می‌خواهد جنگ تمام‌شود، کافی است گروه‌گان‌ها را آزاد کند» یا حتی «مردم فلسطین اگر می‌خواهند این اتفاقات برایشان نیفتد، باید حماس را کنار بزنند». این ایده، چنان‌که حامیان فلسطین نیز در این بحث‌ها به کرات تبیین کرده‌اند، تمام سوابق و تواریخ اسرائیل و فلسطین را، از زمان شکل‌گیری اسرائیل و بلکه پیش از آن، از زمان شروع پروژه صهیونیسم برای تصاحب زمین و سرزمین در آن منطقه را نادیده می‌گیرد، شرایط غزه پیش از جنگ، روند منتهی به حمله ۷ اکتبر و بستر تشکیل حماس را به حساب نمی‌آورد و از روی این سؤال نیز کاملاً می‌گذرد که در سال‌های پیش از ۱۹۸۷ که حماسی وجود نداشت، چه وضعیتی برقرار بود.

اما یک پدیده دیگر، هم‌زمان با تمامی این اتفاقات ادامه داشته است که عملاً نقض‌ورده آشکار و بی‌چوبی بر تمام ادعاهای تبلیغاتی اسرائیل و حامیان‌اش است: خشونت‌ها، کشتارها، تخریب‌ها، ویران‌گری‌ها و رب‌آفکنی‌های بی‌مهار و بی‌محبا از سوی اسرائیلیان در کرانه باختری بوده است، هم از سوی نظامیان یونیفورم‌پوش و هم از سوی دیگر اسرائیلیان. شرایطی که حامیان اسرائیل به عنوان لازمه صلح در غزه توصیف می‌کنند، عملاً همان شرایطی که کرانه باختری، سال‌هاست داشته و دارد و وضعیت آن نیز نشان می‌دهد که تحقق این شرایط نیز پروژه‌های اسرائیل را متوقف نخواهد کرد.

کرانه باختری، در اختیار حماس نیست؛ بلکه نهادی غیرنظامی با رسمیت



روح‌اله نخعی

خبرنگار گروه دیپلماسی

هفتم اکتبر ۲۰۲۳، پس از حمله سنگین حماس به اسرائیل، درگیری نظامی اسرائیلی‌ها با فلسطینیان در غزه وارد مرحله‌ای تازه با سطح بالاتری شد. از همان زمان، جنگ روایت و جدال برای اقناع افکار عمومی نیز از تقابلی در حاشیه به چالشی مهم در متن گفت‌وگوهای عمومی تبدیل شد و به سطحی بی‌سابقه رسید. در این جبهه دوم اما اسرائیلی‌ها ضربات سنگین‌تری خوردند و آرای افکار عمومی در جهان، بیش از همه نمونه‌های پیشین این جدال، به ضرر آن‌ها پیش رفت. این تغییر به حدی بود که نمود خود را در تصمیمات بی‌سابقه برخی دولت‌ها نیز نشان داد.

امام‌هم‌ترین ستون استدلالی ماشین تبلیغاتی اسرائیل و حامیان‌اش، پس از آن زمان بر گزینش بازه زمانی شروع تاریخ استوار بوده است. آن‌ها تأکید داشته‌اند که «حماس جنگ را شروع کرد»، ۷ اکتبر، نقطه کلید خوردن این دور از تنش‌ها بود و اسرائیل، «۸ اکتبر به این سوست که از سر ناچاری، مردم غزه را از دم تیغ می‌گذراند. بر همین اساس، سرفصل‌های دیگری نیز شکل گرفت؛ از جمله اینکه

نگاه هم‌میهن